

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۴ سپتمبر ۲۰۲۰

وضعیت اقتصادی و سیاسی لبنان

حکومت فاسد حریری به بانکها اجازه داده بود برای جلب سرمایه‌های خارجی تا ۱۵ در صد بهره بدهند که از این روش به عنوان شرکت‌های مضاربه‌ئی استفاده می‌کردند. وقتی بحران جهانی سرمایه‌داری تشدید شد، کار بانک‌های مضاربه‌ئی به بن‌بست رسید و نظام بانکی لبنان با بازپرداخت یک اعتبار ۲/۱ میلیارد دلاری روبه رو شد که امکان پرداخت آن را نداشت. دیون دولت به ۱۷۰ درصد تولید ناخالص ملی افزایش یافت. با بحرانی که کرونا در جهان آفرید، صنعت گردشگری نیز در لبنان در هم شکست، هتل‌ها، کافه‌ها و کاباره‌ها بسته شدند و براساس تخمین تعداد بیکاران به یک میلیون نفر در حال افزایش است و این در مملکتی است که تنها ۶ میلیون جمعیت دارد.

خبرگزاری یورو نیوز در تاریخ ۲۰/۸/۲۰۲۰ گزارش داد که میزان بدهی‌های دولت لبنان با افزایش ۳۰ میلیاردی در کمتر از ۷ سال به ۶۰ میلیارد در سال ۲۰۱۹ رسیده که معادل ۱۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور است. همچنین روند نزولی رشد اقتصادی و صعود نرخ تورم، همزمان با افزایش فشار آوارگان جنگ سوریه بر هزینه‌های دولت و بازار کار این کشور، شرایط زندگی مردم را دشوار کرده است.

در کنار این وضع بد اقتصادی و فشار حضور بیش از یک و نیم میلیون پناهنده سوری در لبنان، که بار سنگینی بر بودجه کشور وارد کرده‌اند، نقش دولتمردان فاسد، که فامیلی و قومی رانت‌خواری می‌کنند، مزید بر علت‌ها شده است. در نظام سیاسی لبنان، که تقریباً همه در قدرت شریک‌اند و همه همدست یکدیگرند، تناسب قدرت دولتی براساس سهم برابر قوم‌ها و مذاهب تعیین می‌گردد تا خواست همه طوایف را برآورده کند و این امر در عرصه قدرت سیاسی به ناکارآمدی دولت ملی و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود، زیرا هر بخش از این طوایف به جای آن که به «ملت لبنان» بیندیشند به موکلان قومی و مذهبی خویش می‌اندیشند. در چنین شرایطی احساس مسؤلیت ملی وجود ندارد، بیش‌تر نزاع بر سر سهم‌خواهی قومی و مذهبی است، بی‌جهت نیست که بروز نزاع و برخوردهای قومی نیازی به این ندارد که حتماً معضلات بزرگ اجتماعی نازل شوند؛ حتی به گفته ظریفی، گاهی حتی مسأله جمع‌آوری زباله‌ها در لبنان نیز می‌تواند به بحرانی بزرگ برای کشور تبدیل گردد.

حکومت قومی - مذهبی در لبنان را مردم مدیون نفوذ «ملک فهد»، پادشاه عربستان سعودی، هستند. وی موفق شد در شهر «طائف» این وضعیت کنونی مبتنی بر قدرت شراکتی را در بعد از جنگ داخلی ۱۵-ساله لبنان به یاری «ملک حسن دوم»، پادشاه وقت مراکش، و «شاذلی بن جدید»، رئیس‌جمهور وقت الجزایر، با هماهنگی اتحادیه عرب،

کمیته‌های سه‌جانبه را تشکیل بدهد که از حمایت امریکا و جامعه بین‌المللی و از جمله دولت استعماری فرانسه، که برای خویش حق ویژه در لبنان قایل بود و هست، به وجود آورد.

امروز ۳۱ سال از «توافق طائف»، این «سند وفاق ملی لبنان» می‌گذرد؛ توافقی که به جنگ ۱۵ ساله داخلی لبنان پایان داد، ولی نتوانست در لبنان جز تثبیت جدائی به وفاق ملی نایل آید. این شکل حکومتی، که شبیه آن را در عراق اشغالی نیز به یاری امریکا مستقر کرده‌اند، ورشکستگی خود را در لبنان به اثبات رسانده است. از لبنانی که محل خوشگذرانی عیاشان خاورمیانه و پاریس این منطقه بود و شیوخ عرب برای انجام زنا و زنا‌ی محسنه و بی‌بندوباری و هرزگی و لخرجی به بیروت می‌آمدند، چیزی جز یک مخروبه باقی نمانده است.

نقش نیروهای خارجی

اسرائیل یکی از نیروهای تشنج‌زا در منطقه است که مزارع جنوب لبنان را هنوز در اشغال خود دارد و هدفش تصاحب کامل لبنان و ضمیمه‌کردن آن به اسرائیل بزرگ است. عربستان سعودی و امارات متحده عربی بر روی دولتمردان و قدرتمندان سنی مذهب و به ویژه خانواده «حریری» سرمایه‌گذاری کرده‌اند، تا هم از نفوذ سوریه و ایران در لبنان بکاهند و هم نفوذ و هابیسیم را در منطقه افزایش دهند. سوریه، لبنان را بخشی از خاک خود می‌داند و تا چندی پیش در زمان «حافظ اسد»، لبنان در اشغال سوریه بود. دولت ترکیه در آرزوی عثمانی بزرگ به کشور لبنان به عنوان بخشی از خاک عثمانی بزرگ برخورد می‌کند و می‌خواهد با نفوذ خویش در این منطقه موی دماغ عربستان سعودی و فرانسه شود و قدرت خویش را در بحیره مدیترانه برای دستیابی به نفت و گاز در مقابل فرانسه تقویت کند و گسترش دهد. هم اکنون دولت ترکیه در لیبیا در مقابل فرانسه ایستاده است و در لبنان به تمام لبنانی‌های ترک‌تبار تابعیت دولت ترکیه را می‌دهد. فرانسه به لبنان مانند قبل از جنگ دوم به عنوان تحت‌الحمایه خود می‌نگرد و عوامل فرانسوی زبان خود را در آنجا دارد و سفرهای مرتب «مکرون»، رئیس‌جمهور فرانسه، به لبنان برای سر و صورت دادن به وضعیت لبنان در خدمت تأمین منافع آینده فرانسه است و در این راستا مجبور است با «حزب‌الله» کنار بیاید. روسیه از زمان اتحاد شوروی در سوریه در همسایگی لبنان دارای پایگاه نظامی است که به هر قیمتی برای حفظ آن می‌کوشد. امریکا نخود هر آشی هست و برای ایجاد تشنج و جنگ‌افروزی و حمایت از صهیونیسم هم از عیسویان لبنان، فالانژیست‌های آدمکش لبنانی و هم از دارو دسته مزدوران عربستان سعودی دفاع می‌کند. دولت جمهوری اسلامی نیز لبنان را، که اکثریت جمعیت آن شیعه هستند، متحد طبیعی خود می‌بیند و نقش شیعیان لبنانی را به عنوان عاملی بازدارنده در تجاوز امریکا و اسرائیل به ایران ارزیابی می‌کند و به لبنان و به ویژه به قدرت «حزب‌الله» به صورت ستراتیژیک و در چارچوب منافع درازمدت خویش در منطقه برخورد می‌نماید. دولت چین اخیراً در جریان مبارزه با داعش در سوریه و بحران اخیر لبنان، جای پای خود را در لبنان تثبیت می‌کند و این در حالی است که در ساختمان و مدرنیزه کردن «بندر حیفاء» در اسرائیل به نفوذ خود در سواحل مدیترانه افزوده است.

مجموعه این تضادها در لبنان فعال‌اند و درجه شدت مبارزه میان بخش‌های مختلف آن وابسته به اختلافات گروه‌بندی‌های این تضادهاست. به جز ایران، سوریه، روسیه، چین، و مردم لبنان و به ویژه اکثریت شیعیان لبنان و حتی بخش بزرگی از مسیحیان، که خواهان ایجاد امنیت و مبارزه با نفوذ خارجی در این کشور اند، سایر نیروها خواهان ایجاد تشنج، تفرقه‌افکنی، تحریک، بمب‌گذاری، آتش‌زنی، هرج و مرج و ایجاد بحران مصنوعی در لبنان هستند، زیرا به هم‌خوردن تعادل قدرت و ایجاد یک خلأ در قدرت سیاسی دست نیروهای خرابکار را در لبنان برای توسعه نفوذ امپریالیسم و ارتجاع عرب باز می‌گذارد. در حالی که نیروهای مترقی و یا دوراندیش در هیأت حاکمه برای غلبه بر بحران کنونی

لبنان به وجود یک دولت متمرکز تکیه می‌کنند که وجودش به مراتب بهتر از نبودش بوده که منجر به فروپاشی جامعه لبنان شود.

مردم لبنان هم از فساد دستگاه حکومتی و ساختار قومی - مذهبی آن رنج می‌برند که واقعاً در لبنان بحران‌زاست و هم باید در میدان رقابت‌های قدرت‌های خارجی بکوشند، تمامیت ارضی، استقلال و حق حاکمیت ملی خود را حفظ نمایند بر ضد مفاسد اجتماعی، بیکاری و فقر مبارزه کنند. طبقه حاکمه فاسد لبنان وضعیتی را در این مدت ایجاد نموده است که به جای اندیشیدن به منافع عمومی و کشور به منافع گروهی و قومی خود می‌اندیشد و کشور را به لبه پرتگاه نابودی سوق داده است. این است که ریشه‌های خشم مردم و تمایل آنها برای تغییرات اساسی در جامعه و آنهم در شرایطی که حتی طبقه متوسط رو به تلاشی می‌رود به صف خرده بورژوازی و اقلیت تحتانی جامعه نزدیک می‌شود، کاملاً قابل فهم است، ولی نیروهای ارتجاعی می‌خواهند از طغیان بحق مردم برای ایجاد یک لبنان بهتر ابزاری برای مبارزه با «حزب‌الله لبنان» بسازند. ارتجاع جهانی، که خواهان تشنج در منطقه است با این نقشه برای مردم لبنان «دلسوزی» می‌کند تا به نقش تعیین‌کننده لبنان در ترسیم وضعیت سیاسی منطقه خاتمه دهد. این امر تا به امروز به علت قدرت این سازمان مردمی و نفوذ و محبوبیت آن در میان مردم لبنان با شکست مفتضحانه روبه رو شده است. هیچ تحولی بدون حضور و محاسبه قدرت این سازمان ملی که امپریالیست‌ها و نوکران‌شان آنها را تروریستی می‌خوانند، در لبنان مقدور نیست.

به این جهت راه حل غلبه بر بحران حاد کنونی لبنان یاری مالی بلاعوض جهانی به این کشور، اصلاحات در «قرارداد طائف» و پایان‌دادن به حکومت متکی بر موکلان قومی - مذهبی است. باید تلاش شود تا در لبنان یک حکومت متکی بر ملیت واحد لبنانی ایجاد شود که مبارزه طبقاتی را در آینده شفاف خواهد گردانید و از آلودگی‌های قومی و مذهبی پاکیزه می‌گرداند.

راه حلی که دشمنان مردم لبنان درپیش‌گرفته‌اند، سوء استفاده از اوضاع نابسامان و رنج مردم لبنان است، که خود بیش‌تر بر این رنج و بی‌سامانی می‌افزاید. به یکباره صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی فعال شده‌اند و آمادگی خود را برای حمایت مالی مشروط بر این که حکومت لبنان حاضر باشد بر سر لبنان چوب حراج بزند و شرایط این مؤسسات را که می‌خواهند سیاست استعماری نئولیبرالی را بر لبنان مسلط کنند، بپذیرند. بانک جهانی حتی تعهدات گذشته خویش را بر سر ساختن سد بسری در لبنان لغو کرده است تا فشار را به لبنان افزایش دهد. آنها می‌خواهند با شرایط جدیدی به لبنان وام دهند که روزی باید این قروض بازپس‌داده شود، ولی کشوری که نه منابع طبیعی دارد و نه قدرت اقتصاد صنعتی چگونه می‌تواند با تولید ثروت، اصل و بهره وام‌ها را پرداخت کند. در نتیجه لبنان به مستعمره صندوق بین‌المللی پول بدل می‌شود و آنها با خریدن لبنان این کشور را به فاحشه‌خانه خاورمیانه و مرکز گردشگری مدیترانه و کشورهای عربی و مسلمان بدل خواهند کرد، تا سواحل و سرزمین‌های خویش را به انحصارات گردشگری و ساختن قمارخانه‌ها و هتل‌های آنچنانی بدل کند که قطعاً صاحبان اکثر آنها سرمایه‌داران کلان غیرلبنانی خواهند بود. آنها نیز از اصلاحات اقتصادی و سیاسی دم می‌زنند، ولی اصلاحات آنها اصلاحاتی است که در خدمت اسرائیل و کاهش نقش «حزب‌الله لبنان» و نفوذ ایران، سوریه و روسیه باشد و مانع شود که جاده ابریشم از چین تا بحیره مدیترانه از لبنان و سوریه عبور کند.

فرانسه که رهبری کنفرانس بین‌المللی برای کمک مالی به لبنان را بعد از انفجار مهیب بیروت برعهده گرفته است می‌گوید حاضر است مبلغ ۲۵۰ میلیون یورو که جمع‌آوری کرده است، در اختیار دولت لبنان بگذارد، ولی امریکا که هم از نفوذ فرانسه ناراحت است و هم می‌خواهد حتی برای مبلغ ناچیز ۲۵۰ میلیون یورو دولت لبنان را تحت فشار بگذارد،

معتقد است این پول باید زیر نظر ملل متحد هزینه شود. هر چقدر فرانسه برای حفظ منافع خودش به ویژه در رقابت با ترکیه برای سروسامان دادن به وضعیت لبنان شتاب دارد، امریکا با خونسردی و کش‌دادن مسایل در پی تقویت قدرت و نفوذ خود در لبنان آشفته است.

دول استعماری از هم اکنون دولتهائی را که در لبنان برسر کار می‌آیند، به رسمیت نمی‌شناسند، زیرا خود را صاحب‌اختیار لبنان می‌دانند. «امانوئل مکرون»، رئیس‌جمهور فرانسه، از برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی برای لبنان و با مدیریت فرانسه خبر داد. او گفت لازمه اعطای کمک‌ها «حکمرانی شفاف» در لبنان است و نخست باید اطمینان حاصل شود که کمک‌ها به دست مردم، سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های خیریه می‌رسد و نه نخبگان حاکم، که به فساد و سوءمدیریت متهم هستند. در جریان این اجلاس، اتحادیه اروپا متعهد شد تا ۳۰ میلیون یورو کمک اضطراری به لبنان اختصاص دهد. کمیسیون اروپا تأکید کرد که این کمک مالی با نظارتی شدید از طریق ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی فعال در امور بشردوستانه توزیع خواهد شد و در اختیار دولت این کشور قرار نمی‌گیرد.

خبرگزاری رسمی لبنان NNA، در روز (شنبه)، به نقل از سفارت امریکا از سفر «دیوید شنکر» معاون امور غرب آسیای وزیر خارجه امریکا، به چند کشور منطقه از جمله لبنان خبر داد. در بخش پایانی این بیانیه آمده است که «شنکر» به تاریخ دوم سپتامبر ۲۰۲۰ به بیروت سفر می‌کند و با نمایندگان جامعه مدنی در این کشور دیدار خواهد کرد. همه این شرایط بحرانی در لبنان نتیجه تلاش‌های مستمر امریکائی‌ها و همپیمانان سعودی و صهیونیستی آنها و نهاد‌های غیردولتی در لبنان است که بروشنی جریان‌های ضد مردمی و نهادهای امپریالیستی هستند تا دولتی موازی با دولت لبنان به وجود آورند و با فشار این سازمان‌های ضد مردمی به بازی با سرنوشت مردم لبنان بپردازند. آنها می‌خواهند گروه‌هائی را بسیج کنند که به میل و اراده امپریالیست‌ها و ارتجاع منطقه با حمایت مالی و تبلیغاتی امپریالیسم و صهیونیسم به میدان می‌آیند و به نیات شوم آنها تحت عنوان انجام اصلاحات در لبنان و مبارزه با «فساد و ایجاد شفافیت» راه‌زنان بین‌المللی را به جای دزدان بومی بنشانند.

حکومت کنونی ساخته شده موقتی در لبنان ظاهراً با فشار فرانسه و رضایت «حزب‌الله»، که عامل مهمی در شکل‌دادن آینده لبنان است، به وجود آمده است، ولی شدت درگیری‌ها به حدی است که معلوم نیست آرامش در لبنان در آینده نزدیک برقرار شود. تضعیف لبنان و به ویژه «حزب‌الله» که به عنوان اهرمی بازدارنده در مقابل سیاست توسعه‌طلبانه و تجاوزگرانه امریکا و اسرائیل علیه ایران عمل می‌کند، به نفع ایران و منافع ملی کشور ما نخواهد بود. وحدت غزه و لبنان و مقاومت آنها در مقابل امپریالیسم و صهیونیسم با وضعیت سیاسی منطقه و رفع خطر تجاوز به ایران پیوند دارد.